

اَذْرَبَايْجَان

شنبه ۱۸ آبان ماه

(ناشر افکار جمعیت آذربایجان)

شماره ۳ سال ۱۳۲۰

مدیر: ع. شبستری
 سر دبیر: ا. شمس
 عنوان تلگرافی
 نامه آذربایجان
 جای اداره: خیابان توپخانه
 روبروی بازار (موقتاً)
 بهاء اعلانات: صفحه ۲-۲ ریال صفحه ۳-۳ ریال
 بهاء تک شماره: ۵۰ دینار بعد از یکروز یکریال

اداره در حکم و اصلاح
 و درج مقالات وارده
 آزاد و مختار است
 وجه آبونمان:
 سالیانه ۸۰ ریال
 ششماهه ۵۰ ریال
 عجل التأمهفته دوبار منتشر میشود

روزنامه آذربایجان اولین روزنامه ایست که از طرف یک جمعیت و برای رساندن مرام و منظور او بجامعه در آذربایجان منتشر میشود روزنامه آذربایجان سعی دارد: اوضاع اجتماعی گذشته و حال را تشریح کرده - علل اصلی مفاسد اقتصادی و اخلاقی جامعه را تشخیص داده - و مرحله سوم راه چاره عملی برای رفع فشارهای اقتصادی و اصلاح مفاسد اخلاقی جامعه پیدا کند.

انتخابات

نظر بر اینکه پاره از آقایان نظریه ما را راجع با انتخابات جدید خواسته اند لذا مانیز قبلا مقدمه ای راجع به مرام و مقصود خود نگاشته و بعدا عقیده خود را نسبت با انتخابات شرح میدهم:

واضح و مسلم است که هر جمعیت و هر روزنامه و بطور کلی هر موسسه ای که تشکیل میشود باید مرام و مقصودی در پیش داشته و هیچوقت از طریق که بسوی آن مرام میرود منحرف نگردد و مادامیکه این غایب پیدا نشده و گفتار و رفتار موافق اصول صحیح و محکمی نباشد آن جمعیت، روزنامه و موسسه دیر یا زود محکوم به فنا بوده و از بین خواهد رفت.

چنانکه ما در طلیعه و دو شماره قبل بسمع هموطنان خود رسانده ایم جمعیت و روزنامه ما مرام و مقصودی برای خود تعیین کرده و آنرا قدم قدم تعقیب نموده و هیچگاه از آن منحرف نخواهد شد.

خلاصه مرام ما این است که بقدر امکان در اصلاح خرابکاریها و مفاسد اجتماعی کوشیده مردم این سرزمین را بحقوق حقه خویش و باصول آزادی آشنا نمائیم تا در چنین موقعی که در اثر حکومت غلط و خیانتکار دوره پیشین شیرازه کارها از هر حیث گسیخته و ملت بیچاره حیران و سرگردان، بی چاره و پناهی میگرددن مانیز پیش وجدان خود خجل نشده و با پیشانی گشاده بگوئیم که بوظیفه ملی و اخلاقی خود عمل مینمائیم و سعی داریم حتی الامکان درمان این درد را پیدا کرده آنرا با افراد ملت خود بنمائیم.

ممکن است پاره اشخاص از روی اشتباه و یا غرض این فداکارهای ما را براه دیگری تعبیر نمایند ما آن اشخاص را مخاطب قرار داده میگوئیم که آنان بسا و به هموطنان ما ظلم می کنند و خائن ملت محسوب میشوند چه ما از آن اشخاص نیستیم که مردم را با کلمات آزادی و ملیت گول زده بدین طریق

بصغر بازاران رشید ما

نظر هموطنان عزیز خود را باین موضوع جلب مینمائیم:

از آنجائیکه یکی از مقاصد ما انتقاد از اوضاع اجتماعی گذشته میباشد لذا (کاریکاتور) و اشعاریکه در شماره امروز چاپ شده باین لحاظ میباشد و در شماره های بعد مقاله های مفصلی راجع به سربازان رشید این سر زمین نگاشته و یکستون روزنامه خود را برای این موضوع مخصوص خواهیم نمود.

جمع مال کنیم و از آنها بی نیستیم که خود را آلت قرار داده وجدان و کار خود را بنفع دیگران بفروشیم. ما غیر از راستی و درستی اسلحه دیگری در دست نداریم و در هر چیز که میگوئیم و می نویسیم همیشه صلاح ملت و وطن خود را در نظر میگیریم و با صدای بلند می گوئیم روسیاه پاد کسی که وطن و ملت را وسیله اغراض شخصی خود قرار داده مخالف آنچه که میگوید عمل نپاید.

ما نظر برادران خود را باین نکته جلب می نمائیم که این اشخاص میخواهند جدائی و نفاق بین ملت انداخته و از آب گل آلود استفاده نمایند. هان بیدار شوید و تابع احساسات نشده همیشه عقل را راهنمای خود قرار بدهید و اتحاد و یگانگی را غنیمت شمارید که سعادت شما در اتحاد است و خواری و بدبختی شما در نفاق.

هموطنان ما البته سرمقاله شماره دوم روزنامه ما را خوانده و از مفهوم آن تا حال مطلع گشته اند حال ماهمان مقاله را تعقیب نموده میگوئیم که اعتراض ما باصول انتخابات بوده است نه باشخاص. چه انتخابات وقتی صحیح بوده و منتخبین وقتی و کلاء ملت محسوب میشوند که اصول انتخابات مطابق اصولی که حکومت دموکراسی و مشروطه آن را معین نموده است بعمل آید و در صورتیکه مخالف آن باشد انتخابات

انقلاب فکری لازم است

-۲-

تاریخ شاهد است که آنوقت ملامت حقیقتاً معنی آزادی و حکومت مشروطه را چنانچه شاید درک ننموده و هر کدام از افراد آن مطابق عقل و فکر خود آنرا تفسیر مینمودند: مثلاً پاره تصور میکردند که حکومت مشروطه آنستکه دولت قیمت نانرا تنزل دهد و پاره دیگر آنرا تقلیل مالیات تعبیر مینمودند و برخی خیال میکردند آزادی عبارت از اینست که عنان هجو گوئی را رها کرده هر کسی را که کسی باو بی اعتنائی کرده بود و یا سابقه عداوتی با او داشت هجونمایند. البته ما نمیخواهیم آزاد بخوانان و پیشوایان انقلاب مشروطه را تنقید نمائیم. آنان در زمان خود از اشخاص منور الفکر و مقدس زنده و در چنان دوره توانسته اند افلا تکانی بجامعه داده اسم حکومت استبداد را بحکومت مشروطه تبدیل کرده و لو در روی کاغذ باشد حقوقی برای ملت قائل شوند. ولی چنانکه گفته شد چون ملامت این سرزمین در تمام ادوار تاریخ زیر حکومت استبدادی و اشرافی زنگی کرده و هنوز افکار و روحیات ملت بافکار آزادی آشنا نشده بود لذا نتیجه آن انقلابات آبی بوده و نتوانست چاره درد ملت را نموده و آنرا بمرئول حقیقی برساند.

و منتخبین اعتبار قانونی برای ملت نخواهند داشت.

اینست که ما آشکارا عقیده خود را به هموطنان عزیز بیان نموده و میگوئیم مادامیکه اصول انتخابات موافق اصول مشروطه نیست اعتبار قانونی برای آن قائل نشده و موافق صرفه و صلاح ملت نمیدانیم و برادران خود را نیز توصیه مینمائیم که از حقوق حقه خود دفاع نموده جز راستکاری نجویند و بدست خود تیشه بریشه خود زنند تا مثل سابق مقهور و منکوب اشخاص مغرض و خائن نشده و بیش از این بیچاره و ذلیل نگرددند

بشارت

بکلیه اهالی آذربایجان مژده می دهیم که آقای ملی اصغر سرتیب زاده که یکی از آزادیخواهان و وطنپرستان غیور آذربایجان است، روز جمعه گذشته وارد تبریز شده اند. جمعیت آذربایجان و روزنامه آذربایجان مقدم ایشان را به هموطنان عزیز تبریز میگوید.

ورود

آقای غفار پیش پور دبیر و بازرس فرهنگ رشت که از جوانان پاک و بارو حیه و تحصیل کرده آذربایجان هستند اخیراً وارد تبریز شده اند.

برای روشن شدن مطلب کافیت که تاریخ انقلاب فرانسه و سایر انقلاب های دول متمدن را مطالعه نموده و درست در علل انقلاب و کیفیت آن دقیق شویم چه مدتها بود که قبل از ایجاد انقلاب کبیر در فرانسه انقلاب فکری شروع شده و لثرها، مونتسکیو و ژان ژاک روسو و سایر نویسندگان و فلاسفه آنجا با نوشتن مقالات و بیسهای نمایش خود می خواستند افکار ملت را از خمودت خارج نموده روحیات و افکار آنان را برای ایجاد انقلاب بزرگ تربیت نمایند. برعکس قبل از انقلاب مشروطه ایران کدام روزنامه ها و وظایف دولت و ملت را شرح داده و از حقوق افراد ملت سخن راندند؟ و کدام مدارس وجود داشتند که اصول آزادی در آن تدریس شده و افکار جوانان را بملیت و دفاع از حقوق خود در مقابل تجاوزات داخلی و خارجی آشنا نمایند و هر کس از آزادی و حقوق ملت اسبی میبرد یاغی بوده و حرفهای او مخالف سیاست دولتی محسوب شده و محکوم باعدام میگرددند. البته معلوم است که با این حال انقلاب حقیقی در ایران بوجود نیامده و تنها در نتیجه پاره تحریکات و سیاه تهاست که نهضت های سطحی و بی اساس در ایران ایجاد گردید.

مستحق دلسوزی و دلداری
وقدر دانی نیستند؟

خشک و تری که داشتم از من برفت نیست در دست من بغیر لب خشک و چشم تر بدون شک هر کسی کوچک ترین حس ترحم داشته و ذره ای از رحم و شفقت در قلب او موجود باشد با کمینه دلشکسته و داغ دیده هم عقیده و همدستان شده از ته دل فریاد کشیده خواهد گفت آنهایکه شهید راه وطن شده جان شیرین وهستی و تمام دارائیت خود را از دست داده اند مستحق دلسوزی و دلداری و قدر دانی هستند . چه برادر ناکام و جوان ۲۵ ساله من ستم دیده و داغ کشیده ستوان ۲ امنیه مهدی فخری که بایک حس میهن پرستانه و آنهمه فداکاری و درستکاری و عاطفه با مردم که دوست و دشمن از اخلاق و رفتار رضایت کاملی داشتند در نتیجه لاقیدی روسای مافوق و . . . در اولین روز پیش آمد اخیر در پاسگاه امنیه قصبه کلپور بادو تن از زبردستان خود بوسیله بمب جان سپرد کمینه که کمر خدمت در راه آسایش برادر فداکار خود بسته بودم پس از مرگ آن جوان ناکام حیران و سرگردان ماندم ولی حاج محمد آقا نام کلپوری بالهای حمایت خود را باز کرده و تا آمدن پدرم از تبریز از بدل هیچگونه فداکاری دریغ نداشت در صورتیکه اهالی کلپور بر عکس علی رغم مهربانی و محبت هائیکه آن مرحوم در حق آنان کرده بود دست تظاول و غارت گشوده تمام دارائی حتی زیور آلات کمینه را که متجاوز از چهل هزار ریال بود به یغما بردند در نتیجه این حادثه است که کمینه و یک خانواده ده نفری بریشان و مستاصل گردید و حاصل زحمات چندین ساله پدر بدبخت و داغ دیده ام که با حقوق غیر مکفی سالهاست در اداره فرهنگ مشغول انجام وظیفه میباشد برباد فنا رفت و حالا یک خانواده ده نفری در گوشه خانه محقری که بجز چند پارچه کلیم کهنه و حمیر پاره چیز دیگری وجود ندارد بادل ریش و افسرده امرار حیات مینماید (چه حیات؟)

این است که از اولیای امور و از اداره امنیه و آنانیکه بفکر اصلاح جامعه و رفع بدبختی های ملت است تقاضا دارم بیاس فداکاری آنجوان در سر وظیفه خود ترحم و عطف توجه نموده طبق مفاد قانون استخدام افراد این خانواده را آسوده و مرفه الحال نمایند که برای سایرین هم اسباب تشویق فراهم گردد .
راضیه فخری

مدیر محترم روزنامه آذربایجان
تسرا تحمل امثال ما به باید کرد
که هیچکس نزد بر درخت بی بر سنگ
چون در اولین شماره آن روزنامه شرحی راجع بفرار آقایان تبریزی درج شده بود مرا بر آن داشت که این چند سطر را راجع به همقطاران امنیه چی ترسو خودمان نوشته و بعرض برسانم چنانچه شایسته و سزاوار بود بدرجش مبادرت ورزند .

بطوریکه همه میدانیم هنوز ۲۴ ساعت از اوضاع مغشوش ۳ شهریور نمی گذشت که آقایان افسران امنیه که در زمان صلح برق چکمه و مهمیزشان چشم هر بیننده را خیره میساخت با اتومبیل های سواری خود یا اولین وسیله نقلیه دیگر که آن روزها برای فلک هم میسر نبود تهیه کرده با اثنایه قیمتی خود به سمت تهران روان شدند خلاصه در آن لحظه هائیکه هنوز هزاران پیرزن و پیرمرد در کوچه و خیابان های تبریز در رفت و آمد بودند این آقایان ترسو عقب لوله هتنگی می گشتند که خود را در آن مخفی سازند ما افراد و گروه بانان امنیه که تا آخرین دقیقه در مرکز هنک و گردان سرگردان بودیم به راهنمایی یکی از افسران جوان که گویا حس وطن پرستی و زبردست پروریش بیش از آنها بود بنام فاطمی اداره را تخلیه و گرسنه و بی پول بسخت خانه های خود رفتیم .

آیا خون ابن آقایان فراری که در زمان صاحب کوس دلاوری آنها گوش همه را کر میکرد و کسیرا یارای برابری و دم زدن در برابر آنها نبود از خون ما رنگین تر بود؟

آیا مسئولیت ریختن خون ۴۹ نفر امنیه بدبخت و ستوان مجتهدی که جهت تامین راه فرار خود بکوه های اطراف میانج فرستاده بودند بگردن ابن آقایان نیست؟

بهر حال گذشته ها گذشته - جای تاسف است این آقایان که لذت ریاست در آذربایجان خوش آب هواری هنوز در زیر دندان دارند اینک که آنها از آسیاب ریخته ، یک یک بمحل های اولیه مراجعت کرده و هنر نمائیهای زمان فرار خود را فراموش نموده اند . بدین منظور از آن اداره محترم تقاضا نمودم است برای اینکه ما بتوانیم در آئینه زبردست این قبیل افسران مشغول کار شویم و برای نمونه ، اسامی چند نفر از ابن آقایان را باسم گاو پیشانی سفید در آن روزنامه آزادی درج فرمایند تا اندکی از تکبر خود بکاهند:

۱ - سروان میر شکرانی ۲ - سروان رفعت جباه ۳ - ستوان ۱ فخرانی ۴ - ستوان ۱ ظهیری ۵ - ستوان ۱ جوادی ۶ - ستوان ۳ برومند .
از طرف قباآبی ۲۰ ر

قلب و گلاهِ برداری

- ۲ -

حالا راهی که آقای کلکته چی در فروش نخ پیش گرفته این بود و حالا هم اینطور است نخ شماره ده که هر عدل ۱۳۰۰ ریال نرخ دولت بود با دست چندین نفر از دلایها که شریک دزد بودند و حالا هم هستند بقیمت ۲۴۵۰ ریال فروخته شد و سند فروش آنرا از قرار هر عدل ۱۳۰۰ ریال صادر کرده از خریدار امضاء میگرفتند و ۱۱۵۰ ریال مابه التفاوت آنرا توسط دلایها نقدا میگرفتند و پس از آن نخ را بخریدار تحویل میدادند و هرگاه از طرف استانداری و دیگران تعقیب میکردند همین سند فروش را که بنرخ معینه نوشته شده بود ارائه می دادند و چنین وانمود میکردند که بنرخ معینه میفروشدند باینکه این قلب و گلاهِ برداری برای همه روشنتر از آفتاب بود از طرف زمامداران مورد تعقیب واقع نمی گردید برای اینکه آقایان هم از این راه عایدی داشتند بالاخره هر جا که امید میرفت تظلم کردیم کسی پیدا نشد که به حرفهای ما گوش دهد و بجهت اینکه در باره نخ بدربار پهلوی تلگراف کرده بودیم دو نفر از بافندگان آبرومند تبریز را که آقایان حاجی میروود مدیر کارخانه شایان و آقای علی ماشینچی مدیر کارخانه بافندگی شمس را یکروز در اداره شهربانی توقیف کردند و تهدید نمودند که بعد از این تکرار نشود .

چون جوراب و پارچه وهولی و دیگر محصولات بافندگی برای تهران و دیگر شهرستانها از تبریز صادر میشد بواسطه گرانی نخ قیمت آنها گرانتر از جاهای دیگر تمام شد و برای صادر کردن اجناس نامبرده وقفه حاصل گردیده لذا کارخانجات بافندگی تبریز متدرجا تعطیل کردند تا بواسطه پیش آمد اخیر که تغییراتی در اوضاع کشور روی داد کارخانجات بافندگی بکلی تعطیل کردند تقریباً بیست هزار نفر کارگر در کوچه ها و بازارها و خیابانها ریخته گرسنه و عریان مانده اند و معلوم است که یک قسمت باعث ناامنی و نراحتی مردم تبریز نتیجه این بیکاری ها میباشد .

یکماه پیش که در اداره اقتصاد تبریز مقدار بیست تن پنبه موجود بود آقای کلکته چی حضور آقای استاندار رفته و تقاضا کرده که پنبه های موجودی را بایشان بفروشند تا کارخانه ریسندگی را بکار انداخته و کارگر های کارخانه

تصحیح

ما در شماره اول روزنامه خود در ضمن اخبار شهری و ورود سرکار سرهنک غلامعینی ملک الکتابی را اطلاع داده بودیم چون کلمات ذیل اشتباهی برده و غلط است تمنای تصحیح داریم :

- ۱- نام خانوادگی سرکار سرهنک ملک الکتابی نبوده باستی میباشد .
- ۲- ایشان تنها رئیس امنیه استان نبوده و رئیس امنیه ۳ و ۴ میباشد .

اخطار

از قراریکه شنیده میشود بعضی از روزنامه فروشها روزنامه را بیش از مبلغیکه معین شده میفروشند لذا با اطلاع عموم میرساند که قیمت روزنامه آذربایجان در روز انتشار ۵۰ دینار و بعد از یکروز یکریال میباشد . از هموطنان عزیز تمنی میشود که بیش از آن مبلغ خریداری ننموده و در صورتی که مشاهده نمایند که کسی بیش از قیمت معینه روزنامه را میفروشد فوراً با اداره روزنامه اطلاع دهند .

بیکار نباشند آقای استاندار بارعایت حال بیکاران پنبه های نامبرده را بقیمت سابق هر تن هفت هزار ریال در مقابل فته طلب سی و یکروزه بایشان فروخته اند و ضمناً آقای کلکته چی تهدید کرده اند که محصول همین پنبه را بنرخ معین با مصرف کنندگان بفروشند و اکنون که محصول این پنبه ها بدست آمده از فروش آن خودداری میکنند و باز هم مثل سابق سند فروش را بنرخ معین صادر میکنند و مابه التفاوت آنرا نقدا دریافت می نمایند . خوانندگان محترم انصاف کنند در این موقع که وضعیات شهر دیگرگون شده و سه ثلث مردم شهر قابل ترحم و دستگیری میباشد و لازم است که تجار و ثروتمندان شهر از بینوایان دستگیری نمایند آقای کلکته چی با در نظر گرفتن منافع شخصی وسایل گرسنگی مردم را فراهم میآورند و علاوه از این بسر دولت و مالیه کشور کلاه میگذارند باین معنی از روی همین دفاتر ساختگی مالیات پرداخت می نمایند و مابه التفاوت های نخ را در میان شرکاء بطور غیر مستقیم تقسیم می کنند .

در خانه از آقای استاندار که علاقه مند باسایش و امنیت مردم آذربایجان هستند تقاضا مینمائیم که وسایلی کار کردن ما را فراهم بیاورند .
جمعی از بافندگان

جن خاصیتی

بر نفر بزم یاخین رفیق لریمزدن
بری بو حکایه نی نقل ایدوب اونون درجی
بزدن خواهش ایدوبدر .
حکایه بودر که رفیقیمزین دبلندن
یازدیوخ :

ایکی گون بوندان قباق قند آلماق
فکريله سجلیسی گوتوروب محله مزده
که قند شعبه سینه گیتدم . یولدا قند ارا به
لرینین شعبه به طرف کیتدی کترین گوروب
بو قورخودان که ایندی محله اهلی شعبه به
قند گلمکینی ایشدوب هاموسی بردن
شعبه به هجوم کتیره جاقلار اوندا گرک
باشیدیدا قند یولوندا قویام عجله ایله
شعبه به قاجدیم اما مسئله نی اوز که جور
گوردیم : شعبه به داخل اولوب قندین
گلدیگنی سوروشدم ؟ دکانچی قندین
اولما ما قینی دیدی تعجب ایتدیم بو فکريله
که ممکندر قند ارا به سی اوز که شعبه به
آپاروبدور . او بری شعبه به یانا شدیم .
اورانین قباقیندا چوخلی جماعت اولدیقندان
آداملری آرابوب اوزیمه جزمت ویروب
بسم اله دیوب دکانه وارد اولدیم قندین
اداره ده اولما دقنی ایشدیم چوخلی
تعجب ایتدیم !

بو ایشین علتی دوشوندیم دیه سن قلبه الهام
اولدی : بردن یادیله دوشدی که
اولنجی شعبه به وارد اولاندا اونون
قا یوسندا بر نال پارچه سی گورمشدیم
ایکنجی ده ده من بو امیوب دکانه وزد
اولاندا بسم اله دیدیم بوندان بینه دوشوندیم
که گرک بو تازه لقا قند جن خاصیتی
تابش اولسون اودر که اولینجی دکاندا
دمیردن قورخوب و ایکنجی دکاندا منیم
بسم اله دیگیمدن اورکوب قاجوبدر .

بز قند سانا نله توضیه ایدیریز
که دکانلرینده دمیر اسباب ساخلاماسونلر
تا ایشکدن گلن قند دمیر گوروب قاجماسون
برده دکانلرینده کی دلیک دیشکری ده
دوتسونلار تا مشتریلردن بسم اله دینده
دیشکریه گوروب کترلنسونلر !

آذربایجان

کفاردن گلن ترکیه

آزادلقین گوزل میوه سی

اوتوزبش قیل بوندان ایره لی آزاد-
لتمین حیات بخش نسیمی ایران اولکه سینده
اسمکه باشلادی . نیجه که بهار یلی باغلارین
و چمنلرین یاتمش گل و گیاهن آیلدار
بو روح پرور نسیمده ایران یاتمش
ملتنی آیتدی وموقتی جانده اونا آزادلق
و عدالت روحینی تلقین ایلدی . هیچ
وقت یاددان چخماز که او دوره ده
دوغرودان آزادلقا ومشروطیته ایمانلی
کشیلر واریدی که حاضریدر لر ماللارین
وجانلارین آزادلق بولوندا فدا ایله -
سونلر و ادعایلرین جوانلردن قنانه عالمه
ثابت ایلده دیر .

او گوزل دوره ده قلمده آزادلقا
نایل اولدی و ایله بو تبریز بیزده نیجه
دانه روزنامه نشر اولونوردی که منتین
افرادینه اخلاق درسی و دولتین عملینه
اوز تکلیفلرین آنلادیردی . او دوره ده
داهی اخیر زمانده اولان فشاردان اثر
بوخودی . آزاد قلم لر سنما مشدی و
قلم صاحب لرینین اللری زنجیره چکینمه -
میشدی . او وقتلرده ایکی میلیوندان
آرتق آذربایجانلی ایستین موقعه ایلیه
بیردی لر آنا دبلنده یازلمش روز نامه
و کتاب اوخوسونلار حتی مرحوم شریف
زاده نین تورکی الفبای مدرسه لرده
تدزیس اولونوردی . بو امر هیچوقت
آذربایجانلی لارین ملی احساسا تالارنا
صدمه یتیرمیردی . اوگونلرده بیزه تحقیر
ایله تورک دین یوخیدی وهامی بیزلری
ایرانلی حساب ایلردی :

خلاصه اودوره ده بیر فکاهی روز-
نامه همین تبریزده نشر اولونوردی که آدی
(حشرات الارض) ایدی . بوروز نامه اوزمانن
حقایقین مزاح وتلمیح صورتنده گوزل
و جانلی تمویلرین گورسدوب و بو-
یولونان ملته اخلاق و اجتماعی درس لر
دربردی . اون سوز بالاخصاص بیر
نفره متوجه دگلدی ودوغرودان اصلاح
و نوعه خدمت نظرده ایدی او ایدی
که هامی بو روزنامه به علاقه مند اولوب
و اونون نمره نری ال به ال گزبردی .

نیجه گون بوندان قباخ تصادفا
امیر بازرندان گچردیم متوجه اولدوم
که بازارن بیر طرفنده ازدحام وار .
دقت ایله باخوب گوردوم بیر نفر جوانین
اینده بیر دسته روزنامه وار و جماعت
اونا هجوم ایلوب روزنامه آیلار .
انسان که وار دیمک اولور که بیر
آز قویون حکمنده در . اگر گورده
بولداسلاری بیر طرفه هجوم چکیر لر
اودا دینمز سویلیمز اورا سوخولار .

پهلوی نون سلطانیه

ای جهانی سیر ایندن برجه دونوب ایرانه باخ !
پهلوی نون قلعه سین گور قدرت سلطانه باخ !

واردی هر شهر ایچره مین قلعه بونون مثلی اینان
هر برینده مین جوهره طیاره لر گریختن اوچان

تانک لار و ارا دورزن توپلاری وار بوخودور یالات
داخل اولسان گر دیرسن لشکر دورانه باخ !

پهلوی نون قلعه سین گور قدرت سلطانه باخ !
بر طرفدن خطر بازلار متصل گویدنت انیر
بر طرفدن لشکرین دوزموش حسابون کیم بیلیر

گر هجومه باشلاسا صف لر صف اوستیدن بربر
هر برین گورسن دیرسن رستم دورانه باخ !

پهلوی نون قلعه سین گور قدرت سلطانه باخ !
اوز چورسه هر طرفدن سویرینه قات بربر
اود باغار هر گوشه دن مین کوره نیرات بربر

کیچ تاباخدان گورموسن سن لشکر خاقان بربر
یوخسا جانوندان دیوبوسان بیر دونوب میدان باخ !

پهلوی نون قلعه سین گور قدرت دورانه باخ !
کیم توکر بو تازه شکلون بیر گورن شالوده سین
قدرت ایستر یغماقا بو نشه نون آلوده سین

زحمتیله اورگیده وافوره ملت توده سین
هر بری ایجاد ایده مین قلعه هر بر یانه باخ !

پهلوی نون قلعه سین گور قدرت سلطانه باخ !
بو سوزه کیمسه اینانماز تا اول منتقل نشین
اکلشه منتقل دیننده الهه بیر وافور چین

بیر نفس ویر ساد بیر به به بو شاهه آفرین
گورنه فکريله دوزه لتمیش بونلاری شیطان باخ !

پهلوی نون قلعه سین گور قدرت سلطانه باخ !
نشه وقتنده هامی دنیانی تسخیر ایلور
کائناتون قدرتین بیر پوفسه تبخیر ایلور

منقله سوق ایلماخلا فکری تنویر ایلور
گور نه عالی فکر در بو فکر ایند انسان باخ !

پهلوی نون قلعه سین گور قدرت سلطانه باخ !
باجاندان باخان

منده سورویه قارشدیم . فی الجمله ال
ایلیوب جسدن اون شاهی چخاردوب بیر
داری ویروب اوزومی روزنامه چیه یتیروب
بیردانه روزنامه اله سالدیم .

اوتوز ایلدن صوراً گوزوم اوز
آنادیلیمیزده یازیلان بیر مصور روزنامه به
دوشدی . اورگیمی بیر ذوق انگیر میجان
بورودی گوزلریم یاشینان دولدی !

اوه یتیشن کیمی قامی اله آلوب
او هیجانین تاثیر آلتندا بونچه سطر
یازییه گتیردیم .

ایندی من اوز قلبی تشکر ایتی
او کشیمره تقدیم ایلارم که اوز آنادیلیمزین
اساسی یولدا فداکارلارنانه تدم مایه
تویروب عین جانده اوز ملت نرینن چخیشنه
جاییشور لر !

به آتایا نیکسه
مقاله یا شعر بوروزنامه هیچر ستمند
آقای منجم زاده - مقاله شما بجه
مناسب نبودن درج نگریدیم . تمنی میشود
که تنها بانتقاد قناعت ننموده و علل
اصلی فساد و جاره اصلاح را پیدانمائید .
آقای ققیه - مقصود ما از مسابقه
اجتماعی ، ذکر علل اجتماعی و معنوی
است نه ذکر وقایع تاریخی بطور ساده
و چون شما در مقاله خودتان فقط وقایع
تاریخی را ذکر کرده اید لذا درج نشده
و توصیه میمائیم که همیشه در علل
وقایع تاریخی فکر ننمائید نه خودوقایع .
آقای ابوالحسن اردبیل - اشعار
شما در شماره های بعد درج خواهند گردید .
آقای حسن عامری - مقاله شما
تدریجاً در شمار های بعد درج خواهد شد
آقای محمد شریف - اشعار شما
خوب است و امر لازم است ذوق آنرا
اوضاه نمائید .



پهلوی مارتینوسی